

رد پای فارابی در سیاست

فارابی چگونه عقل‌گرایی را در جامعه حاکم می‌کند؟

فارابی فضا را به نفع عقل‌گرایان برهم می‌زند

در دوره‌ای که فارابی می‌زیست، اندیشه‌های عقل‌گرایی به تدریج رو به ضعف گذاشتند و ما با سیطره «حدیث‌گرایی» مواجه هستیم.

در این دوره هنوز اشعری‌گری قالب نشده اما در حال موج پیدا کردن است و فارابی دورنمای تضعیف عقل‌گرایی را مشاهده می‌کند؛ چرا که جریان‌های ضد عقل در حال رشد و گسترش هستند.

سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که فارابی چگونه عقل‌گرایی را در جامعه حاکم می‌کند و فضای موجود را به نفع عقل‌گرایان برهم می‌زند؟

لزوم بازگشت به اندیشه‌های فارابی در عصر حاضر

این فیلسوف بزرگ از طریق کارهای نظری و عملی بطور همزمان این فضا را ایجاد می‌کند.

فارابی از جمله فلاسفه‌ای است که هنوز اندیشه‌هایش با تأکید بر عقل‌گرایی تازه و جدید مانده است و تاکنون رنگ کهنگی به خود نگرفتند. این در حالی است که در متون خارج از کشور نیز از لزوم بازگشت به اندیشه‌های فارابی صحبت می‌شود.

به عنوان نمونه در اهمیت استفاده از اندیشه‌های فارابی این‌گونه مطرح می‌شود که بروز گروه‌های تروریستی همچون القاعده و داعش در نتیجه کنار زدن اندیشه‌های فارابی در جوامع اسلامی است.

فارابی در نظرات خود چند نکته تأکیدی جالب دارد. وی تحقق جامعه مطلوب را در گرو مشارکت همه مردم می‌داند و مدینه فاضله را همراه با تعاون، رضایت و گسترش فضیلت مطرح می‌کند. از نظر فارابی با گسترش فضیلت در میان مردم می‌توان به مدینه فاضله رسید.

او به جای تأکید بر «قانون» و «دولت» تأکید خود را بر «مردم» می‌گذارد لذا «جامعه فضیلت‌محور» را پیشنهاد می‌دهد، در حالی که ما کمتر چنین تفکری را در اندیشمندان مسلمان شاهد هستیم، اما عناصر «رضایت»، «تعاون» و «فضیلت» برای فارابی دارای جایگاه ویژه‌ای هستند.

فارابی مدینه فاضله‌ای را ترسیم کرده است که مردم در آن می‌دانند سعادت چیست؛ این سعادت همان سعادت حقیقی است زیرا از نگاه مردم بعضاً ثروت، قدرت و یا شهرت سعادت حقیقی محسوب می‌شود.

برای رسیدن به سعادت حقیقی باید از جامعه جاهله عبور کرد. از نگاه فارابی یکی از مدینه‌های جاهله، مدینه جماعیه یا احرار است که در آن افراد از همه گرایش‌ها حضور دارند و در آن میان، سعادت حقیقی هم قرار دارد.

با مشاهده چنین ویژگی‌هایی شاید باورمان نشود فیلسوفی در ابتدای قرون اسلامی آنها را مطرح کرده است. فارابی معتقد است اگر قرار است از یکی از مدینه‌های جاهله به سمت مدینه فاضله حرکت شود، بهترین مسیر عبور از مدینه احرار است.

آگاه‌سازی و تعلیم و تربیت؛ اولین گام در مدینه فاضله فارابی

در اندیشه فارابی تأکید بر «جامعه» است و بر «دولت» تأکید نمی‌شود. ضمن اینکه هیچ الزامی برای حرکت به سوی سعادت وجود ندارد؛ زیرا حرکت در مسیر سعادت فرهنگ‌سازی شده است و ارزش‌های سیاسی توسط افراد جامعه پذیرفته شده‌اند.

در مدینه فاضله فارابی در گام اول «آگاه‌سازی» و «تعلیم و تربیت» در جامعه حائز اهمیت است. در واقع مردم جامعه خودشان باید بخواهند که به سمت سعادت حرکت کنند.

پذیرش تکثر ادیان توسط فارابی

یکی از مباحث مهم امروز در جوامع پذیرش قومیت‌ها، اقوام و مذاهب مختلف است. فارابی هم جزو فیلسوفانی است که



یادداشت

دکتر نجمه کیخا

عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

فارابی اولین فیلسوف سیاسی در حوزه تمدن اسلامی بعد از کندی است؛ اگرچه هرگز نقش کندی در این حوزه به اندازه فارابی نبوده است. سنتی که در تمدن اسلامی وجود دارد، بعد از فلسفه فارابی دنبال می‌شود. فارابی اولین فیلسوفی است که میان اندیشه‌های اسلامی و اندیشه‌های یونانی با فلسفه همخوانی نمی‌بیند اما تلاش می‌کند هماهنگی بین این دو اندیشه ایجاد کند. فارابی برای اینکه در نسبت بین اندیشه یونانی و اسلامی آشتی برقرار کند در موضعی قرار می‌گیرد که در باب هر دو قضاوت نماید و آن موضع «عقل» است. در واقع فارابی از موضع عقلانیت که با هر مذهب، زبان و فرهنگی قابل درک است سعی می‌نماید هم‌سخنی میان اندیشه‌های فلسفه اسلامی و یونانی ایجاد کند. ضمن اینکه فارابی این امر را برای حل مسائل جامعه نیز در نظر می‌گیرد.

تکثر ادیان را می‌پذیرد و دلیل آن هم نظریه معروف عقل او است. از این منظر، عقل به عنوان عنصر حقیقت به اندازه‌ای ثقیل و سنگین است که مردم عادی از قدرت فهم آن عاجز هستند و پیامبر یا فیلسوف امکان فهم آن را دارد.

فارابی توضیح می‌دهد که فیلسوف سیاسی حقیقت را به گونه‌ای برای مردم فهم می‌کند تا به آن عمل کنند، بنابراین فیلسوف سیاسی باید زبان فرهنگ و علوم جامعه را درک کند سپس مطابق آن، حقیقت را برای مردم حکایت

رد پای اندیشه فارابی در رهبران انقلاب اسلامی



برش

فارابی برای جامعه امروز ما سخن‌های زیادی دارد در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی عبارتی مشاهده می‌شود که یادآور تفکر فارابی است. شهید بهشتی معتقد است در جامعه نمی‌توان اندیشه‌ای را مطرح کرد و همه را ملزم به رعایت آن دانست؛ چون انسانیت با اختیار گره خورده است. جامعه‌ای که صرفاً یک راه را تعیین می‌کند، عملی سازگار با عقل انسان‌ها انجام نداده است که این اندیشه شهید بهشتی مشابهت زیادی با تفکر فارابی دارد.

کند. در اندیشه فارابی، پیامبر و فیلسوف به عنوان حاکم می‌توانند متناسب با سطح جامعه حقیقت را بیان کنند که در واقع آن حقیقت همان دین است. بنابراین اگر دین در هر جامعه‌ای به زبان‌های مختلف بیان شود، در واقع یک حقیقت واحد است.

فارابی فلسفه یونانی را به فلسفه اسلامی تبدیل نکرده است بلکه عنوان می‌کند «زبان عقل» به عنوان عنصر مشترک میان این دو فلسفه وجود دارد. فارابی برای جامعه امروز ما سخن‌های زیادی دارد در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی عبارتی مشاهده می‌شود که یادآور تفکر فارابی است؛ بزرگانی همچون امام خمینی (ره)، شهید بهشتی، شهید مطهری و شهید مفتاح فلسفه خوانده‌اند و به همین علت میان اندیشه آنان با اندیشه فارابی تشابهات زیادی مشاهده می‌شود.

شهید بهشتی معتقد است در جامعه نمی‌توان اندیشه‌ای را مطرح کرد و همه را ملزم به رعایت آن دانست چون انسانیت با اختیار گره خورده است. بنابراین قواعد و مقررات نظامات اسلامی به گونه‌ای است که اگر اجرا شود مسیر تخلف تا حدودی باز است؛ زیرا انسان می‌تواند راه‌های مختلف را انتخاب کند، نظام آفرینش هم بر این اساس گره خورده است. جامعه‌ای که صرفاً یک راه را تعیین می‌کند، عملی سازگار با عقل انسان‌ها انجام نداده است که این اندیشه شهید بهشتی مشابهت زیادی با تفکر فارابی دارد.

فارابی از جمله

فلاسفه‌ای

است که هنوز

اندیشه‌هایش با

تأکید بر عقل‌گرایی،

تازه مانده است.

به همین دلیل،

در متون خارج

از کشور هم از

لزوم بازگشت به

اندیشه‌های فارابی

صحبت می‌شود

و گفته می‌شود

بروز گروه‌های

تروریستی همچون

القاعده و داعش

در نتیجه کنار زدن

اندیشه‌های فارابی

در جوامع اسلامی

است